

# مهدی اخوان ثالث

## گزینه‌ی اشعار

۵۱	ده شعر از کتاب زمستان
۶۶	ده شعر از کتاب آبر شاهنامه
۱۲۹	ده شعر از کتاب از این اوستا
۱۸۱	یازده شعر از کتاب زندگی من گریه...
۲۴۱	نه شعر از کتاب در خیاط کج کجک پالیز در زندان
۳۰۱	دوازده شعر از کتاب دور از شهر



پایسنا گزینہ  
شعراں اپنا انجمنہ



اشعارات مروارید

ISBN: 978-984-6025-1-1

- ۵ بیست شعر از کتاب ارغنون
- ۵۱ ده شعر از کتاب زمستان
- ۹۹ ده شعر از کتاب آخر شاهنامه
- ۱۲۹ ده شعر از کتاب از این اوستا
- ۱۸۱ یازده شعر از کتاب زندگی می گوید...
- ۲۴۱ نه شعر از کتاب در حیات کوچک پائیز در زندان
- ۳۰۱ دوازده شعر از کتاب دوزخ، اما سرد
- ۳۳۹ هفده شعر از کتاب ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم
- ۳۸۹ ده شعر از تازه‌ها

## ما را بس

اگر رها کند ایام ازین قفس ما را  
 سبوی باده و گلبانگ چنگ بس ما را  
 شکوفه‌ها بشکفتند و باغ پرگل شد  
 ولی به برگ گلی نیست دسترس ما را  
 هوا خوشست و چمن دلکشست و می‌خشکد  
 به دل شکوفه شوق و گل هوس ما را  
 بهار پا به رکابست و پای ما در بند  
 رها کنید خدا را، ازین قفس ما را  
 به حیرتم که در آزار ما چرا کوشند  
 که کس ندیده در آزار هیچکس ما را



دو ترک چشم تو آشوبگر سیه مستند

ولی به طیره گرفته‌ست این عسس ما را!

غریق و مست می زنده‌رود و کارونیم

چه نسبت‌ست بدان ساحل ارس ما را؟

شکوفه هنرم، ظلم بین که گردون کرد

اسیر پنجه یک مشت خار و خس ما را

جز «آسمان» که بود «آشنا»ی اختر من

«امید» امید نباشد به هیچکس ما را

از آن سینه زنی و لایحه لایحه

زندان «ز»

اردیبهشت ۱۳۳۳

بندت را نمی‌دانم و تو را نمی‌دانم

از آن سینه زنی و لایحه لایحه

بندت را نمی‌دانم و تو را نمی‌دانم

از آن سینه زنی و لایحه لایحه

بندت را نمی‌دانم و تو را نمی‌دانم

از آن سینه زنی و لایحه لایحه

بندت را نمی‌دانم و تو را نمی‌دانم

از آن سینه زنی و لایحه لایحه

بندت را نمی‌دانم و تو را نمی‌دانم

از آن سینه زنی و لایحه لایحه

### شکر یک بوسه

پریان دوش پر بسته گشودند مرا

بوسه و باده ز غمخانه ربودند مرا

پس آن پرده، که تا دوش مرا بار نبود

بودم و روی بسی راز نمودند مرا

پرده‌داران نهانخانه اسرار مگو

مست کردند چو آن پرده گشودند مرا

بر لب چشمه نهادند لب تشنه من

درد و رنج از دل غمدیده زدودند مرا

تا سحر شمع شبستان غزل بودم و عشق

پریان بس غزل نغز شنودند، مرا